

مختار نامه

با شرح مختصری از واقعه‌ی کربلا

□

مریم تنباکویی

■

تتباکوی، مریم، ۱۳۵۰ -

مختارنامه اساس روایی قیام مختار یا شرح مختصری از واقعه کربلا - مریم تنباکویی - قم: مریم تنباکویی، ۱۳۹۰

ISBN : 978-964-04-7992-6

۲۱۶ ص

فهرستبوسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. مختار من ای جید ۱ - ۷ غق ۲. واقعه کربلا. ۱ غق - تاریخ ۳. شیعه - جنبش ها و قیام ها.
۵. شیعه - تاریخ - قرن ۵. ۵. نوریان - تاریخ.

۹۵۳، ۱۶

۱۳۹۰ ت ۵۲۹-۵۲۸ D52A

۳۹۳-۶۳۲

کتابخانه ملی ایران

مختار نامه

(با شرح مختصری از واقعه کربلا)

مریم تنباکویی



ناشر: مریم تنباکویی • چاپخانه: فاضل

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱ • شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

ISBN: 978-964-04-7992-6 • شابک: ۶-۷۹۹۲-۴-۰۴-۹۶۴-۰۷۸

قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال

ص.پ. قم، ۴۳۸۸ - ۳۷۱۸۵ mokhtar.book@Gmail.com

مراکز پخش:

۱- انتشارات پیام علمدار

نشانی: قم، خیابان شهدا، کوی ممتاز، کوی ۹، پلاک ۱۷

تلفن: (۰۲۵۱)۷۷۴۸۸۸۳ □ همراه: ۰۹۱۲۳۵۳۰۲۷۴

۲- مؤلف / همراه: ۰۹۱۲۴۵۱۰۴۳۰

فَأَنْتَقِمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (روم / ۴۷)
ما از جنایتکاران انتقام گرفتیم و یاری مؤمنین بر ما حتم و حق است.

تقدیم به ارواح پر فتوحی که با شهادتشان آزادگی را
جاودانه کردند و با خون خواهی شان وعده‌های الهی
را تحقق بخشیدند.

فهرست

۱۰	• سخن مؤلف	۱۶	شخصیت مختار
۱۲	• مقدمه	۱۹	فرمایشات امامان معصوم و... در مورد مختار ثقفی
۱۴	زندگی نامه‌ی مختار	۲۱	آرامگاه مختار



بخش اول: حوادث زمینه‌ساز واقعی کربلا / ۲۳

۲۵	معاویه در آستانه‌ی مرگ	۴۳	مقتل جاسوس ابن زیاد
۲۶	یزید بر مسند خلافت	۴۴	دستگیری هانی بن عروه
۳۰	امام حسین علیه السلام و عبدالله بن زبیر در مکه	۴۷	تیم مسلم بن عقیل
۳۳	نامه‌های کوفیان به امام حسین علیه السلام	۵۰	دستگیری مسلم بن عقیل (س)
۳۶	ورود حضرت مسلم (س) به کوفه	۵۲	حضرت مسلم (س) در مقابل ابن زیاد
۳۸	ورود ابن زیاد به کوفه	۵۵	سرنوشت هانی بن عروه
۴۰	نقل مکان مسلم از خانه‌ی مختار ثقفی به	۵۶	ورود مختار به کوفه



بخش دوم: آغاز جاودانه‌ترین حادثه‌ی بشریت / ۵۹

۶۱	عزیمت امام حسین علیه السلام از مکه به کوفه	۷۶	وقایع شب عاشورا
۶۵	ماموریت عبدالله بن قطر	۷۹	وقایع قبل از جنگ در روز عاشورا
۶۶	خبر شهادت یاران و اتمام حجت امام با همراهان	۸۸	آغاز جنگ حق و باطل
۶۷	کمین نیروهای دشمن بر سر راه امام حسین علیه السلام	۹۲	حماسه‌آفرینان اهل بیت امام حسین
۷۱	دستور بستن آب و گفت‌وگوی امام حسین علیه السلام با عمر سعد	۹۹	شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام
۷۴	صدور دستور جنگ		



بخش سوم: حوادث پس از عاشورا / ۱۰۹

۱۱۱	اهل بیت در مجلس ابن زیاد	۱۱۵	آزادی مختار از زندان
۱۱۲	اعتراض عبدالله بن غفیف از دی به ابن زیاد		

بخش چهارم: مختار و حوادث سرزمین حجاز / ۱۱۹

۱۲۶	واقعه خزّه در مدینه	۱۲۱	حرکت مختار به سوی حجاز
۱۳۳	محاصره مکه و آتش زدن کعبه	۱۲۲	ورود مختار به مکه
۱۳۸	نحوه‌ی مرگ یزید	۱۲۳	مختار در طائف
۱۳۸	وضعیت شام و عراق بعد از مرگ یزید	۱۲۴	بازگشت مختار به مکه



بخش پنجم: حوادث قبل از قیام مختار / ۱۴۷

۱۷۴	آغاز جلسات محرمانه‌ی مختار	۱۴۹	جذای مختار از ابن زبیر
۱۷۵	تحول در نظام سیاسی کوفه	۱۵۱	ملاقات با محمد بن حنفیه
۱۷۶	توطئه‌ای دیگر علیه مختار	۱۵۱	بازگشت مختار به کوفه
۱۷۸	دعوت از مردم بصره به بیعت با مختار	۱۵۳	دیدار مختار با بزرگان کوفه و بیعت شیعیان با او
۱۸۰	جلسه‌ی پنهانی سران کوفه درباره‌ی قیام مختار	۱۵۴	جنبش توابین
۱۸۱	دیدار کوفیان با محمد حنفیه	۱۶۳	توطئه علیه مختار و زندانی شدن او
۱۸۴	بازگشت شیعیان کوفه با خبر خوش	۱۶۵	جنگ عین الورد
۱۸۵	دعوت از ابراهیم انشیر	۱۷۱	پیوستن بازماندگان توابین به مختار
		۱۷۲	آزادی مختار از زندان



بخش ششم: قیام / ۱۹۱

۲۰۷	محاصره قصر	۱۹۳	تعیین تاریخ و طراحی جزئیات قیام
۲۱۱	قرار ابن مطیع	۱۹۴	تدابیر امنیتی دشمن
۲۱۲	تصرف قصر و پیروزی انقلاب	۱۹۵	درگیری پیش از موعد
۲۱۴	مراسم بیعت	۱۹۷	آغاز انقلاب
		۲۰۲	اعزام نیروهای انقلابی



بخش هفتم: تشکیل حکومت علوی و حوادث انقلاب / ۲۱۷

۲۳۵	شایبه پراکنی و توطئه‌ی ضد انقلاب در کوفه	۲۱۹	تقسیم بیت‌المال و رفتار مختار با اقشار مختلف
۲۳۸	طراحی مقدمات شورش در کوفه	۲۲۰	انتصاب فرماندهان و استانداران
۲۴۱	عکس‌العمل مختار در برابر محاصره شورشیان	۲۲۲	انتخاب قاضی کوفه
۲۴۳	بازگشت ابراهیم انشیر و عکس‌العمل دشمن	۲۲۳	ماجرای ابن همام شاعر
۲۴۵	آغاز جنگ با شورشیان کوفه	۲۲۷	اولین جنگ مختار بعد از انقلاب
۲۵۱	شکست شورشیان و آمار تلفات و اسرایشان	۲۳۰	رویارویی سپاه ابن زیاد با سپاه مختار



بخش هشتم: انتقام / ۲۵۹

مجازات شمر بن ذی الجوشن ۲۶۱	تعقیب و مجازات شمر بن ذی الجوشن ۲۶۱
عاقبت سنان بن انس نخعی ۲۸۳	جانیان واقع گریلا در دام عدالت و قصاص ۲۶۵
تعقیب و گریز محمد بن اشعث بن قیس ۲۸۵	خولی در جنگال عدالت ۲۶۹
بی‌شمر بودن تدابیر حفاظتی عمرو بن ضبیح ۲۸۷	اجابت دعای امام سجاد علیه السلام در مورد حرمه ۲۷۱
اقدام عجلانه ابن زرعه بن مسعود ثقفی ۲۸۸	ماجرای عمر بن سعد بن ابی وقاص ۲۷۳
ویرانی خانه‌های فراریان ۲۸۹	مجازات حکیم بن طفیل طایبی سنسی ۲۷۹
	فرار قاتل حضرت علی (ع) از دام مجازات ۲۸۲



بخش نهم: جدال مختار با عبدالله بن زبیر / ۲۹۳

اختلاف و کشمکش عبدالله بن زبیر با محمد حنفیه ۳۰۳	مذاکرات پنهانی مختار با ابن زبیر ۲۹۵
•	عکس‌العمل مختار در برابر عملکرد نیروهای ۲۹۲



بخش دهم: جنگ با حکومت شام / ۳۱۱

صف‌آرایی دو سپاه و آغاز جنگ ۳۲۵	اعزام ابراهیم اشتر به جنگ با ابن زیاد ۳۱۳
هلاکت فرماندهان مهم دشمن ۳۳۶	ماجرای کرسی مقدس ۳۱۸
سفر مختار به مدائن و پی‌گیری اخبار جنگ ۳۳۸	خیانت عبیدالله بن حر جعفی ۳۲۱
ارسال فتح‌نامه و هدایا به... و امام سجاد علیه السلام ۳۴۰	رویارویی نیروهای انقلاب با ارتش شام ۳۲۲
•	اعلام همکاری یکی از فرماندهان با ابراهیم اشتر ۳۲۳



بخش یازدهم: پایان انقلاب و شهادت مختار / ۳۴۵

محاصره قصر و شهادت مختار ۳۴۴	تحریک مصعب بن زبیر برای جنگ با مختار ۳۴۷
سرنوشت محصورین قصر ۳۷۱	عکس‌العمل کوفیان و مختار... مصعب بن زبیر ۳۵۰
سرنوشت خانواده مختار ۳۷۷	ترکیب سپاهیان دو طرف ۳۵۲
سرنوشت مصعب بن زبیر و ابراهیم اشتر ۳۷۹	جنگ یوم المذار ۳۵۳
•	اعزام مجدد ارتش و آرایش نظامی دو سپاه ۳۵۷
	جنگ حرواء ۳۶۰

بخش دوازدهم: اعلام / ۳۸۵

منابع ۴۱۴



سخن مؤلف

خداوند متعال را سپاس که به قلم نگارنده این توفیق را داد تا در شرح مختصری از روایت شهادت برگزیده‌ی عالم خلقت، سهمی داشته باشد و فرصتی عنایت فرمود تا مستندی داستان وار از خون‌خواه سرور شهیدان حضرت اباعبدالله علیه السلام به نگارش درآورد.

لازم به ذکر است که خواننده‌ی محترم در مورد کتاب پیش رو چند نکته را مدنظر داشته باشد. اول این که در تألیف این روایت داستانی سعی نگارنده بر آن بوده است که اتفاقات تاریخ براساس مستندات معتبر عرضه شود و از موضع‌گیری، اظهار نظر و تحلیل وقایع و ارائه‌ی آن‌ها به عنوان تاریخ خودداری کند. دوم این که برای پرهیز از حجیم شدن کتاب، از اطناب و توصیف جزئیات کمتر استفاده شده است تا این اثر در خور حوصله و وقت خوانندگان دنیای معاصر باشد. همچنین در مورد تفاوت روایات در مورد یک واقعه، از روایتی که صحیح‌تر بوده، استفاده شده است.

در ضمن ذکر این نکته ضروری است که خواننده‌ی محترم در طی داستان با اسامی اشخاصی مواجه می‌شود که با علامت ستاره مشخص شده‌اند. این اشخاص در بخش آخر کتاب تحت عنوان اعلام معرفی شده‌اند و دلیل انتخاب آن‌ها این است که باتوجه به متن داستان لازم بوده یا حدس زده شده است که خواننده می‌بایست در مورد آن‌ها بیشتر بداند. البته شرح حال خیلی

سخن مؤلف / ۱۱

از شخصیت‌های مطرح داستان در طول قصه آمده است که ذکر مجدد زندگی‌نامه‌ی آنان جز کتاب سازی نتیجه‌ی دیگری در بر نداشت.

و در پایان هدف نگارنده بر آن بوده است که بتواند با زبان مطلوب داستان نقش کوچکی در اغنای روحیه‌ی واقع‌گرای نسل جوان داشته باشد و نیز خواستار این است که جوانان را در بستر تاریخ سوق دهد تا با درک بالا و ذهن نقاد خود بتوانند تحلیلی درست از سیر مستمر حوادث در طول تاریخ داشته باشند.

وما توفیقی الا بالله العلی العظیم

قم - زمستان ۱۳۸۹

نشانی نگارنده برای دریافت انتقادات و

پیشنهادات خوانندگان محترم: mokhtar.book@gmail.com

مقدمه

زندگی نامه‌ی مختار

مختار بن ابی عبید بن مسعود بن عمرو بن عوف بن عقدة بن قسی بن منبه بن بکر بن هوازن از قبیله‌ی مضر و ثقیف در منطقه‌ی طائف است. او در سال اول هجرت در طائف^۱ متولد شد و کنیه‌اش ابو اسحاق و لقبش کیسان به معنای زیرک و تیزهوش است و عرقه‌ی کیسانی به او نسبت. نام پدر وی ابو عبید فرزندی مسعود ثقفی است که از اصحاب رسول خدا ﷺ بود و در سال سیزدهم هجری والی عراق شد و در جنگ یوم الجسر^۲ که اولین اعزام نظامی عمر برای جهاد بود، در مقام فرماندهی به شهادت رسید. مادر مختار دومة دختر وهب بن عمر بن معتب بود که به خاطر وسعت و دیگر محسناتش به او دومة الحسنة می‌گفتند.

وقتی ابو عبید ثقفی در پی انتخاب همسر بود، کسی در خواب به او گفت که دومه دختر زیبای وهب را برای همسری خود انتخاب کند. حاصل ازدواج ابو عبید با دومه پنج پسر به نام‌های جبر، اباجبر، مختار، ابالحکم و ابا امیه^۳ و

۱. در زادگاه مختار که مدینه بوده یا طائف اختلاف است.

۲. یوم الجسر: جنگی است که بین مسلمین و مردم فارس رخ داد و نزدیک حیره بوده است و از آن جا که این نبرد در کنار پل دجله واقع شد آن را جنگ یوم الجسر نامیدند.

۳. بحار الانوار / ۴۵ / ۳۵۰

یک دختر به نام صفیه^۱ بود که این دختر بعدها همسر عبدالله پسر خلیفه دوم (عمر) شد. دومی نقل می‌کند که وقتی مختار را حامله بوده است، گوینده‌ای در عالم خواب این شعر را برای او می‌خواند:

أَبْشُرِي بِالْوَلَدِ أَشْبَهُ شَيْءٍ بِالْأَسَدِ
إِذَا الرِّجَالُ فِي كَيْدٍ تَقَاتِلُوا عَلَيَّ بَلَدٍ
كَأَنَّ لَهُ حِطًّا الْأَسَدُ^۲

دومی می‌گوید وقتی مختار به دنیا آمد باز همان گوینده در عالم رؤیا به من گفت: «قبل از آنکه این کودک حرکت کند و یا کام او را برگیرید نام او را مختار بگذارید که او فردی کم‌آر خواهد بود و پیش از آن که به سن بالا برسد، سرد و گرم زندگی را خواهد چشید و ترس او ریخته خواهد شد و پیروان زیادی پیدا خواهد کرد.»^۳

دوران کودکی مختار مبهم است و تاریخ‌نویسان در بررسی زندگی زمان طفولیت او کوتاهی کرده‌اند و فقط پس از آن که در صحنه‌ی حوادث عراق نمایان شده است، اطلاعاتی در دسترس گذاشته‌اند. تنها مواردی که از قول تاریخ‌نویسان قدیم یافت می‌شود این است که می‌گویند آثار نجابت از آوان کودکی مختار در چهره‌اش نمایان بوده است. و از قول اصغر بن نباته، شاگرد برجسته‌ی امیر مومنان علی (ع) گفته‌اند، روزی پدر مختار او را که کودکی بیش نبوده، نزد حضرت علی (ع) می‌برد و آن حضرت مختار را روی زانوی خود می‌نشاند و با محبت دست بر سرش می‌کشد و می‌فرماید: «یا کَیْسُ یا کَیْسُ»

۱. معارف / دینوری / ۲۲۶

۲. بشارت باد تو را به فرزندی که شبیه‌ترین چیز به شیر است، هنگامی که مردان در سختی‌اند و مقاتله بر بلد کنند او بیشترین بهره را دارد. (بحار الانوار / ۴۵ / ۳۵۰)

۳. بحار الانوار / ۴۵ / ۳۵۰

که این کلمه به معنای زیرک است.^۱ و ظاهراً به خاطر همین فرمایش حضرت امیر علیه السلام است که مختار به کیسان معروف شد.

مختار سیزده ساله بوده است که با پدرش ابو عبید در جنگ قَسَّ النَّاطِفِ^۲ یا جَرَمِ الْجَسْرِ که جنگی بین ارتش اسلام با ارتش ایران بود، شرکت می‌کند. مختار در این جنگ که به فرماندهی پدرش بود، بسیار تلاش کرد که به خط مقدم جبهه برود، ولی با ممانعت عمویش سعد بن مسعود مواجه می‌شود، اما به هر حال شرکت در این جنگ باعث شد که او شجاع و بی پروا رشد کند.^۳ پدر مختار و برادرش حبر، در این جنگ شهید می‌شوند و مختار بعد از پایان جنگ تحت سرپرستی عمویش سعد بن مسعود قرار می‌گیرد و همراه سپاه به مدینه بر می‌گردد و همیشه با خاندان بنی هاشم رفت و آمد و معاشرت داشته است. ولی زمانی که حضرت علی علیه السلام مقرر خلافت را از مدینه به کوفه که یک پادگان نظامی و اردوگاه دائمی نظامیان بود، منتقل می‌کند؛ مختار نیز همراه ایشان و عموی خود به کوفه می‌آید و از این مقطع است که از هواداران امام علی علیه السلام شناخته می‌شود و دوران حکومت حضرت امیر علیه السلام را به خوبی درک می‌کند و با ایشان ارتباط مستمر دارد.

در زمان حکومت حضرت علی علیه السلام استانداری مدائن که از مناطق مهم مرزی عراق بود، از طرف آن حضرت به عموی مختار سعد بن مسعود ثقفی واگذار شد و مختار در دوره‌ی استانداری عمویش تحت حمایت وی بود و در امور حکومتی به او کمک می‌کرد. مختار بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام در کوفه، به بصره رفت و چند صباحی را در آنجا ساکن شد، ولی دوباره در

۱. مختار آئینه عصر اموی / دکتر کربوتلی / ۱۷

۲. قَسَّ النَّاطِفِ: نام مکانی است در نزدیکی کوفه در شرق رود فرات که در آن جنگ سختی میان ارتش اسلام و ایران روی داد. (بحار الانوار / ۴۵ / ۳۵۰)

۳. بحار الانوار / ۴۵ / ۳۵۰

زمان خلافت امام حسن علیه السلام نزد عمومی خود که هم‌چنان در پست استانداری مدائن باقی بود، برگشت و در خدمت عمومی خود ماند تا این که معاویه، مغیره بن شعبه این عنصر مکار و خائن را به استانداری کوفه منصوب کرد. در این هنگام بود که مختار از عراق به مدینه رفت و در آن جا فقط با خاندان بنی هاشم به خصوص محمد حنفیه رفت و آمد داشت و از ایشان علم و حدیث یاد می‌گرفت تا این که باز به عراق برگشت و آشکارا و با شجاعت از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله حمایت می‌کرد و همه جا تبلیغ می‌نمود که این خاندان از هر کس دیگری به حکومت و امامت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله سزاوارترند و از مصائبی که بر اهل بیت می‌رفت ناراحت و متقلب بود.^۱

ظاهراً مختار در تمام دورانی که در عراق زندگی می‌کرد، در منطقه‌ای به اسم خُطرَنیّه و در روستای لُقفا که نزدیک کوفه بوده است، صاحب باغ و مزرعه‌ای حاصل خیز بوده که از درآمد آن زندگی می‌کرده است. و از تاریخ این گونه برمی‌آید که او بعد از شهادت امام حسن علیه السلام و غلبه کامل حزب امویان بر حجاز و عراق و خفقان مطلق سیاسی بیشتر اوقات خود را در مزرعه‌اش می‌گذرانده و مبارزات علنی‌اش تبدیل به مبارزات زیرزمینی و پناه دادن به شیعیان تحت تعقیب می‌شود که نمونه آن پناه دادن به حضرت مسلم (س) است.^۲

در مورد زندگی خانوادگی مختار تا آن جا که از کتب تاریخی بر می‌آید این است که وی دارای سه همسر بوده است. همسر اول او اُمّ ثابت دختر سمرة بن جندب فزاری^۳ است که وی معاون زیاد بن ابیه در بصره، در زمان خلافت

۱. بحار الانوار / ۴۵ / ۳۵۲

۲. نهضت مختار ثقفی / ۱۵۹

۳. طبری / ۸ / ۳۴۱۷

معاویه، بوده است و همسر دوم وی عمرة دختر نعمان بن بشیر انصاری^۱ است که این مرد هم در دستگاه سیاست بود و مناصب مختلفی را در طول عمر خود تجربه کرد که یکی از آن‌ها حاکمیت کوفه در زمان معاویه بن سفیان بود و سومین همسر مختار اُم زید صغری دختر سعد بن عمرو بن نفیل^۲ است. البته ابن حزم، نصب شناس عرب از خانمی به اسم اُم سلمة دختر عبداللہ بن عمر بن الخطاب^۳ نام برده که او هم همسر مختار بوده است، ولی در منابع دیگر چیزی یافت نشد.

در مورد فرزندان مختار در کتاب‌های نسب‌شناسی روایات متفاوتی دیده می‌شود، ولی آن‌چه که از مجموع آن‌ها بر می‌آید این است که مختار دو پسر به نام‌های اسحاق و محمد از اُم ثابت^۴ و از دو زن دیگر پسرهایی به نام ابوالحکم، جبر و ابوامیة^۵ داشته است.

شخصیت مختار

مختار متولد سال اول هجری است. پس تمام دوران رشد و شکل‌گیری شخصیتش در فضای حاکم دین اسلام صورت گرفته است و به خاطر علوی تبار بودن خاندانش و ارتباط نزدیکی که با خاندان رسالت داشتند، با اصول ناب و بکر دین اسلام عجین بوده و هرگز شانه‌هایش را زیر بار زورگویی غاصبین امامت و خلافت مسلمین خم نکرده و مانند خیلی از مردمان محافظه کار آن روزگار حاضر به تقیّه و پنهان کردن عقایدش نبوده است. مثلاً اوقتی او سیاست والیان اموی را در عراق مشاهده می‌کرد و می‌دید معاویه

۱. همان / ۲۴۱۷

۲. طبقات الکبری / ابن سعد / ۲ / ۲۸۲

۳. جمهرة / ابن حزم / ۲۶۸

۴. معارف / دینوری / ۲۲۷

۵. طبقات / ابن سعد / ۷ / ۴۱۶ و جمهرة / ۲۶۸

دولت خود را مانند دولت‌های ایران و روم بر پایه جاه و جلال دربار کسری، شاهنشاه ایران و قیصر روم قرار داده است و خلافت را ارثی ساخته و آن را پس از خود به پسرش یزید سپرده است، جانبداری خود را از علوی‌ها اعلام کرد و هنگامی که زیاد بن ابیه، والی معاویه در عراق، از او خواست تا عریضه‌ی شکایت‌آمیزی را که علیه حجر بن عدی، بزرگ شیعیان عراق، تهیه شده، امضا کند تا آن را وسیله‌ای برای قتل حجر قرار بدهد، مختار از این کار سرباز می‌زند و از او روی برمی‌گرداند.^۱

علامه شریف‌الفرشی درباره‌ی شخصیت مختار می‌نویسد:

«مختار از مشهورترین شخصیت‌های عرب می‌باشد که تاریخ اسلام او را معرفی کرده است. وی نقش بزرگی را در حوادث مهم سیاسی و اجتماعی عصر خویش ایفا کرده است به طوری که چهره‌ی سیاسی ایشان در تعیین حوادث مهم و حرکت‌های سیاسی و موضع‌گیری‌های مشخص از روشن‌ترین چهره‌های تاریخ اسلام است. او با تدبیر و کفایت سیاسی خود ثابت کرد که مرد فکر و عمل است و همان گونه که بعضی از نویسندگان درباره او نوشته‌اند، مردی خوش فهم، روان شناس، باهوش و جامعه‌شناسی دقیق بود و کاملاً بر شیوه‌ها و عوامل تبلیغ و حرکت دادن جامعه آگاه بود. او همان گونه با احساسات مردم سخن می‌گفت که عقل‌های آنان را مخاطب قرار می‌داد. او تنها به روش‌های معمولی تبلیغ مانند شعر و خطابه و امثال آن اکتفا نکرد، بلکه در تبلیغات خود به روش‌های عملی مانند تظاهرات مردم و جوسازی و ایجاد محیط خاص توجه زیادی داشت. وی با همین شگردهای سیاسی توانست نهضت خود را شکوفا سازد و در یک فرصت مناسب حرکت‌های تبلیغی را به قیام‌های مسلحانه تبدیل سازد. وقتی مختار از ابن زبیر جدا شد و به کوفه

آمد. بزرگی از بزرگان شیعه بود و شمشیری از شمشیرهای خاندان پیامبر ﷺ و قلب او بیش از همه بر مظلومی که بر اهل بیت پیامبر ﷺ گذشت. می سوخت و در راه جهاد مقدس خود سعی و کوشش فراوان داشت تا قدرت را به دست گیرد، اما نه برای قدرت طلبی و ریاست، بلکه برای خون خواهی اهل بیت پیامبر ﷺ و انتقام از قاتلین آنان. این قهرمان بزرگ با اتهاماتی ناروا مورد حمله قرار گرفته است از قبیل این که وی مدعی پیامبری بود و... که قطعاً صاحت او از این گونه تهمت‌ها پاک و منزّه بود. چون سرچشمه‌ی این تهمت‌ها و قضاوت‌های ناجوان مردانه آن بود که وی به خاطر خون خواهی مظلومان کربلا قیام کرد و پایه‌های دولت اموی را لرزاند و حاکمیت غیر عادلانه اشraf عرب بر ملت‌های غیر عرب را در هم شکست. او در سیاست خود عرب را بر عجم ترجیح نداد و مسلمین را به یک چشم نگریست. روش سیاسی و اجرای عدالت اجتماعی وی در زمان حکومتش براساس خط مش حکومت عادلانه‌ی امیرمؤمنان ﷺ بود.

مختار از زهد و تقوای فراوانی برخوردار و به مبانی دینی سخت پای بند بود. مورخان درباره‌ی ایام کوتاه حکومت او گفته‌اند که وی اکثر روزها را به روزه‌ی شکر می‌گذراند و این به شکرانه‌ی نعمتی بود که خداوند به او عطا کرده تا بتواند انتقام خون امام حسین ﷺ و اهل بیت ﷺ را بگیرد و بر نابودی پلیدان و ناپاکان از صفحه‌ی تاریخ توفیق یابد. پس برای شکستن شخصیت والای این رادمرد بزرگ به او تهمت زده‌اند و خواسته‌اند با این کار از عظمت او بکاهند. ما در تحقیقات تاریخی خود، در این باب به این نتیجه رسیده‌ایم که مختار از مردان نمونه‌ی تاریخ اسلام و از رهبران شایسته‌ی امت اسلامی به شمار می‌رود و مرتبه‌ی عالی و فضل و تقوا و اصالت اندیشه و دوراندیشی و حسن تدبیر او گواه ماست.^۱

فرمایشات امامان معصوم و روایات در مورد مختار ثقفی

علامه مجلسی روایتی را از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «همان طور که گروهی از بنی اسرائیل، از حق اطاعت کردند و کرامت یافتند و گروهی از آنان عصیان کردند و در نتیجه عذاب شدند، شما امت محمد صلی الله علیه و آله نیز چنین خواهید بود.» شیعیان پرسیدند: «ای امیرمؤمنان، عصیان کننده‌ها چه کسانی هستند؟» فرمود: «آنان که به بزرگداشت و رعایت حقوق ما اهل بیت امر شدند، ولی مخالفت و خیانت کردند و حقوق ما را نادیده گرفتند و انکار کردند و آن را سبک شمردند، فرزندان ما را که همان فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودند به قتل رساندند در صورتی که مأمور به اکرام و محبت آنان بودند.» شیعیان پرسیدند: «ای امیرالمؤمنان، واقعا چنین خواهد شد؟» فرمودند: «آری این خبری است حق که انجام می‌شود. به زودی این دو فرزندم حسن و حسین علیهما السلام کشته خواهند شد، ولی خیلی زود ستمکاران به بلایی توسط کسی که خداوند برای انتقام بر آنان مسلط خواهد کرد، گرفتار خواهند شد و این به خاطر فسق و جنایتی است که انجام دادند. همان گونه که بنی اسرائیل گرفتار عذاب شدند.» پرسیدند: «این شخص چه کسی است؟» حضرت فرمودند: «جوانی از طایفه‌ی ثقیف که او را مختار بن ابی عبید می‌گویند.»^۱

و باز علامه مجلسی در ذکر وقایع روز عاشورا می‌نویسد: «امام حسین علیه السلام بعد از سخنرانی برای لشکر کوفه آنان را این گونه نفرین کردند: «خداوند، آن جوان مرد ثقفی را بر آنان مسلط کن تا جام تلخ مرگ و ذلت را به ایشان بچشاند و از قاتلان ما احدی را معاف ندارد و به جای هر قتلی، کشتی و به جای هر ضربتی، ضربتی و انتقام مرا و دوستان و خاندان و شیعیانم را از اینان بگیرد.»^۲

۱. بحارالانوار / ۴۵ / ۳۴۰

۲. همان / ۱۰

سرانجام وقتی وعده‌ی خداوند محقق شد و دعای امام مظلوم‌مان به اجابت رسید و مختار سر بریده‌ی ابن زیاد و عمر سعد را برای امام سجاد علیه السلام فرستاد، ایشان به سجده رفتند و فرمودند: «ستایش خدایی را که انتقامم را از دشمنانم گرفت و خداوند به مختار پاداش و جزای خیر عنایت فرماید.^۱»

حتی سال‌ها بعد از قیام مختار، امام پنجم ما شیعیان حضرت باقر علیه السلام در حق مختار فرمودند: «به مختار ناسزا نگوئید. زیرا او بود که قاتلین شهدای ما را کشت و انتقام خون ما را از دشمنان گرفت و بی همسران را تزویج نمود و در وقت ضرورت مال به نزد ما فرستاد.^۲»

شیخ طوسی از عبدالله بن سریک نقل می‌کند که وی می‌گوید: «روز عید قربان در منی به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدیم در حالی که ایشان منتظر آرایشگر نشسته بودند تا برای اصلاح سرشان بیاید. در این هنگام پیرمردی کوفی خدمت امام رسید و دستش را دراز کرد تا دست امام را بگیرد و بیوسد. ولی امام باقر علیه السلام نگذاشتند و فرمودند: «تو کیستی؟» آن مرد کوفی گفت: «من ابوالحکم، فرزند مختار بن ابی عبید هستم.» امام تالو را شناختند، دستش را گرفتند و به خود نزدیک کردند تا جایی که نزدیک پیرمردی را روی زانوی خود بنشانند و بعد از یک احوال‌پرسی گرم و صمیمانه، ابوالحکم به امام گفت: «مردم درباره‌ی پدرم حرف‌های زیادی می‌زنند، اما حق همان است که شما بفرمائید.» امام پرسیدند: «چه می‌گویند؟» گفت: «می‌گویند مختار کذاب بوده است.» امام با شگفتی فرمودند: «سبحان الله! پدرم به من خبر داد که مهریه مادر را مختار نزد او فرستاده است. مگر او نبود که خانه‌های خراب ما را نوسازی کرد؟ مگر او قاتل قاتلین ما نیست؟ مگر او خون خواه ما نبود؟ خدا

رحمتش کند. به خدا سوگند، پدرم به من خبر داد که هرگاه مختار به خانه‌ی فاطمه دختر امیرمؤمنان علیه السلام وارد می‌شد، آن بانو به او احترام می‌گذاشت و فرشی برایش می‌گستراند و متکا می‌گذاشت و مختار می‌نشست و از او حدیث می‌شنید. خدا پدرت را رحمت کند، خدا پدرت را رحمت کند که حق را رها نکرد جز این که آن را مطالبه کرد و قاتلین ما را کشت و به خون خواهی ما قیام کرد.^۱

و امام باقر علیه السلام این گونه مختار و قیامش را تأیید می‌فرمایند و سه بار از خداوند برای او طلب رحمت می‌کنند و بر تمام تصورات غلط و شایعات رایج در آن مقطع زمانی و در طول تاریخ خط بطلان می‌کشند.

آرامگاه مختار

مزار شریف مختار از قدیم الایام جزء مشاهد متبرکه نزد شیعیان بوده و دارای قبه و بارگاه است. آن چنان که ابن بطوطه جهانگرد معروف عرب در قرن هفتم در سفرنامه‌اش به آن اشاره دارد و می‌نویسد: «در محل شرقی جبهانه کوفه، قبه و بارگاه مختار می‌باشد.»

مرقد مطهر این بزرگوار تا مدت‌ها به دلیل تبلیغات سوء و تهمت‌های ناجوان مردانه و نشر احادیث دروغ، کهنه و متروک بود تا این که بالاخره خداوند دل بعضی از اولیاء خود را متوجه‌ی این مزار کرد و مورد عنایت بزرگان واقع شد و همین توجه باعث شد که نسبت به تفتیش و صحت احادیث و انتساب آن به مختار اقدام شود و در اثر کاوش مرقدش جای جسد این قهرمان مشخص شد.

علامه بزرگ شیخ عبدالحسین طهرانی (قدس سره) در قرن سیزدهم هجری در یک سالی که برای زیارت عتبات عالیات به عراق رفته بود، نسبت

به تعمیر و تجدید بنا و تفتیش مزار شریف مختار همت کرد و نشانی قبر او را که در صحن مسلم بن عقیل متصل به مسجد جامع اعظم کوفه و روبه روی حرم هانی بن عروه است، پیدا کرد. بنا به دستور آن عالم بزرگ این مکان حفار شد و آثار نای مخروبه‌ای کشف گردید که می‌گفتند در قدیم حمام بوده است. مرحوم سید رضا بحر العلوم هم که در زمان حفاری حضور داشت به حضار و حفاران توصیه می‌کرد که برای مختار فاتحه بخوانند و از قول پدرشان سید محمد مهدی بحر العلوم (متوفی ۱۲۱۲ هـ) نقل می‌کرد که مرقده مختار در زاویه شرقی و در کنار دیوار قدیمی مسجد کوفه می‌باشد. به هر حال با نظرات علامه بحر العلوم و شیخ عبدالحسین طهرانی این مکان حفاری شد تا به لוחی رسیدند که بر روی آن این جمله نقش بسته بود: «هذا قبر المختار بن ابي حميد الثقفي». و بدین گونه قبر مشخص شد و کار ساختمان و تعمیر انجام پذیرفت و بر بالای درب ورودی این جمله را نوشتند: «قد امر السيد مهدی بحر العلوم و الشيخ جعفر کاشف الغطاء بان یثید هذا ضريحاً للمختار و عینا هذا الموضع قبراً له». معنی به دستور علامه بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء این مکان بازسازی شد و این جا را محل قبر مختار معین کردند.^۱